رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و دوره تصدی حسابرس
(شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)

دکتر شکراله خواجوی

سمیه حسینی نیا

دکتر شکراله خواجوی[1]

سمیه حسینی نیا[2] -

چکیده

دوره تصدی حسابرس یکی از شاخص‌های کیفیت حسابرسی می‌باشد. رابطه طولانی مدت بین حسابرس و صاحبکار می‌تواند استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی را کاهش دهد. کاهش احتمالی استقلال حسابرس ناشی از روابط بلندمدت با صاحبکار می‌تواند میزان محافظه‌کاری حسابداری را تغییر دهد.از این رو، توجه به دوره تصدی حسابرس مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و دوره تصدی حسابرس است. برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از معیار باسو استفاده می‌شود. نمونه مورد بررسی شامل ۶۹ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ و روش آماری مورد استفاده رگرسیون داده‌های ترکیبی است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین زمانی که عدم‌تقارن اطلاعاتی وجود دارد، بین محافظه‌کاری با دوره تصدی حسابرس اعم از کوتاه‌مدت و بلندمدت رابطه معناداری مشاهده نشد.

واژه های کلیدی: محافظه‌کاری، دوره تصدی حسابرس، کیفیت حسابرسی، رابطه حسابرس-صاحبکار

---

[1] دانشیار دانشگاه شیراز --پردیس ارم دانشگاه شیراز-بخش حسابداری shkhajavi@gmail نویسنده مسول

[2] دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز - - پردیس ارم دانشگاه شیراز-بخش حسابداری

مقدمه

نگرانی درباره شکست‌های حسابرسی در سال‌های اخیر مخصوصا بعد از رسوایی‌های بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ بطور چشمگیری افزایش پیدا کرده است. این رسوایی‌ها منجر به وضع قوانین زیادی در زمینه حسابداری مالی و حرفه حسابرسی شده است. در ارتباط با این موضوع بهبود استقلال حسابرسان چه ظاهری و چه باطنی مورد توجه خاص قرار گرفته است. قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها تلاش می‌کنند تا کیفیت حسابرسی را از طریق قوانینی که بر استقلال حسابرس تاثیر می‌گذارد، بهبود بخشند.

چرخش اجباری حسابرسان در نتیجه شکست‌های حسابرسان در دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت. بحث چرخش اجباری حسابرسان منوط به این موضوع است که چطور دوره تصدی، کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. منتقدان بیان می‌کنند که چرخش اجباری حسابرسان پرهزینه می‌باشد و می‌تواند منجر به کاهش کیفیت سود بعلت افزایش عدم‌تقارن اطلاعاتی موجود در رابطه جدید حسابرس- صاحبکار شود. در ایران نیز بنابر تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس مصوب ۸۶/۵/۸ شورای عالی بورس اوراق بهادار، موسسات حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال، مجددا سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت واحدی را بپذیرند (کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۸).

عدم‌تقارن اطلاعاتی وضعیتی است که یک گروه اطلاعات بیشتری نسبت به گروه دیگر دارد. این وضعیت منجر به مخاطرات اخلاقی می‌شود (ورونیکا و بچتیر[1]، ۲۰۰۵). نبود تقارن اطلاعاتی زمانی به وجود می‌آید که یک طرف قرارداد یا معامله، از اطلاعات بیشتری آگاهی داشته باشد، مشروط بر آنکه از آن اطلاعات هنگام برقراری ارتباط با طرف دیگر به طور موثر استفاده کند (کلارکسون و همکاران[2]،۲۰۰۷).

نقش اطلاعاتی حسابرسان کاهش تضاد منافع احتمالی بین مدیران و مالکان می‌باشد. دو نقش با ارزش حسابرسان برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نقش اطلاعاتی و نقش

اطمینان‌بخشی آنان می‌باشد (دی[3]، ۱۹۹۳). کیفیت حسابرسی بیشتر، موجب کاهش هزینه سرمایه می‌شود (جنسن و مکلینگ[4]، ۱۹۷۶؛ واتس و زیمرمن[5]، ۱۹۸۶).

با توجه به مطالب مزبور، مسئله اساسی پژوهش این است که آیا بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری رابطه‌ای وجوددارد؟ آیا بین چرخش حسابرس و محافظه‌کاری رابطه‌ای وجود دارد؟

محافظه‌کاری از یک طرف در محدود کردن آزادی عمل و خوش‌بینی مدیران، حمایت از حقوق ذی‌نفعان و حل بسیاری از مشکلات نمایندگی و عدم‌تقارن اطلاعاتی نقش دارد (کردستانی و ایرانشاهی، ۱۳۹۱).با توجه به مطالب ذکر شده و با توجه به اهمیت محافظه‌کاری، هدف این پژوهش بررسی تاثیر دوره تصدی حسابرس بر محافظه‌کاری است. بدین منظور، در ابتدا به بررسی مبانی نظری و ادبیات موضوع پرداخته می‌شود؛ سپس فرضیه‌ها و روش پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد. در پایان نیز تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نتایج پژوهش ارائه می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

محافظه‌کاری

محافظه‌کاری یک ویژگی مهم در رویه‌های حسابداری می‌باشد، که بطور سنتی بدین-گونه تعریف شده: "هیچ سودی را پیش‌بینی نکنید، اما تمام زیان‌ها را پیش‌بینی نمایید" (بلیس[6]، ۱۹۲۴:۱۱۰). پیش‌بینی سودها به این معنی می‌باشد که سودها را قبل از اینکه ادعای قانونی وجود داشته باشد یا آن‌ها در ارتباط با جریانات نقدی آینده باشند و قبل از اینکه درآمدها قابل تایید باشند، شناسایی شوند (واتس[7]، ۲۰۰۳a).

هیئت اصول حسابداری مالی[8] در بیانیه شماره ۲ خود این نوع رفتار را با تعریف محافظه‌کاری بعنوان " واکنشی محتاطانه به ابهام در تلاش برای اطمینان از اینکه ابهام و ریسک‌های ذاتی شرایط تجاری به گونه‌ای مناسب مد نظر قرار گرفته‌اند " تایید نموده است (FASB, ۱۹۸۰:۳۶). همچنین در استانداردهای حسابداری ایران از محافظه‌کاری

تحت عنوان احتیاط یاد شده و در مفاهیم نظری گزارشگری مالی به صورت زیر تعریف شده است:

" احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای برآوردهای حسابداری در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشوند" (استانداردهای حسابداری ایران، ۷۶۶:۱۳۸۸).

کیزو و همکاران[۹](۲۰۰۱)، بیان می‌کنند محافظه‌کاری به این معنی است که وقتی در انتخاب شک دارید راه‌حلی انتخاب شود که کمترین احتمال را برای بیش برآوردی دارایی‌ها و درآمدها نماید.

باسو[۱۰](۱۹۹۷)، محافظه‌کاری را کاهش سود وکمتر نشان دادن دارایی‌ها در پاسخ به اخبار بد و در مقابل، بیشتر نمایش دادن دارایی‌ها و سود حسابداری در پاسخ به اخبار خوب تعریف می‌کند. بر اساس این تفسیر، باسو بیان می‌کند که حسابداران اخبار بد را درباره سودها سریع‌تر از اخبار خوب شناسایی می‌نمایند. مفهوم محافظه‌کاری تعریف شده از جانب باسو همان محافظه‌کاری مشروط می‌باشد. بال و شیواکومار[۱۱](۲۰۰۶)، بیان می‌کنند که محافظه‌کاری مشروط یک عامل تعیین کننده مهم در کیفیت سود، بهبود سودمندی صورت‌های مالی و مخصوصا در زمینه حاکمیت شرکتی، پاداش مدیریت و قراردادهای هزینه‌ای می‌باشد.

گینر و ریس [۱۲](۲۰۰۱)، خاطر نشان می‌کنند که محافظه‌کاری نباید لزوما بعنوان یک ویژگی مطلوب یا نامطلوب در نظر گرفته شود.

.

کیفیت حسابرسی

حسابرسان یک نقش مهم در تعیین کیفیت سود صورت‌های مالی بازی می‌کنند. مطالعات اولیه یک دلیل برای محافظه‌کاری حسابداری را مواجه شدن حسابرسان با دعاوی حقوقی سهامداران می‌دانند. خدمات حسابرسی بعنوان یک وسیله نظارتی بعلت تضاد منافع

احتمالی بین مالکان شرکت و مدیران، مورد درخواست قرار می‌گیرد (واتس، ۱۹۷۷؛ واتس و زیمرمن، ۱۹۸۱).

کیفیت حسابرسی طبق تعریف دی‌آنجلو[۱۳] (۱۹۸۱:۱۸۶) عبارت است از احتمال اینکه یک حسابرس ۱. در یک سیستم حسابداری تحریفی را کشف نماید (صلاحیت حسابرس) و ۲. آن تحریف را گزارش نماید (استقلال حسابرس). تعریف‌های دیگری نیز از کیفیت حسابرسی شده است. والاس[۱۴] (۱۹۸۰)، بیان می‌کند که کیفیت حسابرسی معیار سنجش توانایی حسابرسان برای کاهش اختلالات و بهبود دقت[۱۵] در داده‌های حسابداری است. تیتما و ترومن[۱۶] (۱۹۸۶)، کیفیت حسابرسی را بعنوان صحت و درستی اطلاعات گزارش شده توسط حسابرسان تعریف می‌کنند.

دی‌آنجلو (۱۹۸۱b)، بیان می‌کند که اندازه موسسه حسابرسی می‌تواند نماینده کیفیت حسابرسی باشد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که موسسات حسابرسی بزرگتر کیفیت سود بهتری را در صورت‌های مالی ارائه نمایند. در ارتباط با این بحث باسو و همکاران[۱۷] (۲۰۰۱b)، نشان دادند که سود گزارش شده بوسیله حسابرسان بزرگ نسبت به سود گزارش شده توسط حسابرسان کوچک محافظه‌کارانه‌تر است. این نتایج پیشنهاد می‌کند که موسسات حسابرسی بزرگ و مدیران آن‌ها از سود محافظه‌کارانه بعنوان یک استراتژی مدیریت ریسک استفاده می‌کنند.

دوره تصدی حسابرس

دوره تصدی حسابرس یکی از شاخص‌های کیفیت حسابرسی می‌باشد. جنکینز و ولوری[۱۸] (۲۰۰۸)، بیان کردند که یک رابطه مثبت بین کیفیت حسابرسی که با دوره تصدی بلندمدت حسابرس سنجیده می‌شود و کیفیت سود شرکت‌ها وجود دارد. در مقابل لی[۱۹] (۲۰۱۰)، بیان نمود که شرکت‌های کوچک یا شرکت‌های با نظارت ضعیف حسابرسان خود مواجه هستند یک رابطه منفی بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری وجود دارد. علاوه بر پژوهش‌های جنکینز و ولوری (۲۰۰۸) و لی (۲۰۱۰) که یک رابطه بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری بیان نمودند، مطالعات دیگری وجود دارند که یک

ارتباط بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت حسابرسی با نتایج متفاوت بیان نمودند (مثلا بون و همکاران[20]، ۲۰۰۸و دیویس و همکاران[21]، ۲۰۰۹).

قانون‌گذاران نگرانند که رابطه طولانی مدت بین حسابرس و صاحبکار می‌تواند استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی را کاهش دهد. کاهش احتمالی استقلال حسابرس ناشی از روابط بلندمدت با صاحبکار می‌تواند میزان محافظه‌کاری حسابداری را کاهش دهد. همانطور که رابطه حسابرس و صاحبکار افزایش می‌یابد، حسابرسان با انواع ریسک-های مرتبط با صاحبکار آشناتر و بی‌پرواتر می‌شوند. بنابراین، آن‌ها نظرات بیشتری برای اجازه به مدیران برای، گزارش با سطح محافظه‌کاری کمتر ارائه می‌دهند (لی، ۲۰۰۷).

پژوهش‌گرانی مانند همیلتون[22] (۲۰۰۵) و لی (۲۰۰۷)، اعتقاد دارند که با افزایش دوره تصدی، محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. به این دلیل که در سال‌های اولیه کار حسابرسان ممکن است به دلیل ترس از دعاوی حقوقی علیه آن‌ها که ممکن است در پی عدم شناخت کافی از فعالیت‌های صاحبکار پدید آید رویه‌های محافظه‌کارانه‌تری از سوی صاحبکاران خود درخواست نمایند، اما با گسترش روابط و احتمالا کاهش استقلال، تمایلی برای مقاومت در برابر خواسته‌های مدیریت نخواهند داشت. در مقابل جنکیز و ولوری (۲۰۰۶)، اعتقاد دارند که روابط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار منجر به افزایش بکارگیری رویه‌های محافظه‌کارانه توسط صاحبکار می‌شود. با افزایش دوره تصدی شناخت آن‌ها افزایش یافته و از هرگونه ریسک حسابرسی بالقوه اجتناب می‌کنند.

زمانی دوره تصدی حسابرس کوتاه‌مدت تلقی می‌شود که حسابرس، حسابرسی صورت-های مالی یک شرکت را برای مدت دو یا سه سال در اختیار داشته باشد. زمانی دوره تصدی حسابرس بلندمدت تعریف می‌شود که حسابرس، حسابرسی صورت‌های مالی یک شرکت را برای مدت نه یا ده سال در اختیار داشته باشد. بر مبنای این دو تعریف دوره حسابرسی، زمانی میان‌مدت تعریف می‌شود که حسابرس، حسابرسی صورت‌های مالی یک شرکت را برای مدت چهار تا هشت سال در اختیار داشنه باشد (آدیمی و همکاران[23]، ۲۰۱۲).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های خارجی

نام پژوهشگران	سال	نتیجه‌گیری
یو و لنارد[۲۴]	۲۰۱۳	به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و دوره تصدی حسابرس در شرکت‌های چینی پرداختند.نتایج حاکی از این است که محافظه‌کاری با دوره تصدی حسابرس برای بااهمیت‌ترین صاحبکاران افزایش نمی‌یابد.
چی و وانگ[۲۵]	۲۰۱۰	محافظه‌کاری بطور مثبت در ارتباط با سطح و تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. بین دوره تصدی کوتاه و بلندمدت حسابرس با محافظه‌کاری رفتار نامتجانسی وجود دارد.
حکیم و عمری[۲۶]	۲۰۱۰	به بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و عدم‌تقارن اطلاعاتی پرداختند.نتایج حاکی از این است که عدم‌تقارن اطلاعاتی با تخصص حسابرس رابطه منفی و با دوره تصدی حسابرس رابطه مثبت دارد.
لی	۲۰۱۰	یک رابطه منفی معنادار بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری مشاهده نمود. همچنین بیان نمود که رابطه بلندمدت حسابرس با صاحبکار منجر به تهدید برای استقلال حسابرس در شرکت‌های کوچک می‌شود.
لی	۲۰۰۷	به وجود یک رابطه منفی بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری اشاره نمود. برای محاسبه محافظه-کاری از دو مدل باسو (۱۹۹۷) و بال و شیواکومار

		(۲۰۰۵) استفاده نمود.

پژوهش‌های داخلی

نام پژوهشگران	سال	نتیجه‌گیری
خدایاریگانه و همکاران	۲۰۱۲	نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابرسی شامل اندازه موسسه و دوره تصدی حسابرس باعث تغییر محافظه‌کاری در صورت‌های مالی نمی‌شوند.
اسماعیل‌زاده-مقری و ترامشلو	۱۳۹۱	به بررسی رقابت بر سر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی پرداختند. در این پژوهش از پرسشنامه استفاده شد. نتایج تحقیق از منظر مدیران موسسات (حسابداران رسمی فعال در موسسات حسابرسی) نشان می‌دهد رقابت حق-الزحمه‌ی حسابرسی تاثیر کاهنده‌ای بر کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی دارد.
ستایش و همکاران	۱۳۹۱	به بررسی تاثیر طول دوره تصدی و اندازه حسابرس بر ادراک سرمایه‌گذاران از کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که رابطه مثبت و معناداری بین طول دوره تصدی حسابرس و ادراک سرمایه‌گذاران از کیفیت حسابرسی وجود دارد، در حالی که رابطه معناداری بین اندازه حسابرس و ادراک سرمایه‌گذاران از کیفیت حسابرسی یافت نشد.

عزیزخانی و صفروندی	۱۳۹۱	نتایج نشان می‌دهد، در سال‌های اولیه دوره تصدی حسابرسی، میزان دقت سودهای پیش‌بینی شده مدیریت افزایش و پس از آن کاهش می‌یابد. همچنین نتایج این پژوهش شواهد تجربی درباره چرخش اجباری موسسات حسابرسی فراهم می‌آورد.
رحیمیان و همکاران	۱۳۹۰	در پژوهشی به بررسی نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های دارای سطوح بالاتر از مالکیت نهادی، از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار می‌باشند؛ این در حالی است که تمرکز مالکیت نهادی موجب کاهش در کیفیت حسابرسی می‌گردد.
کرمی و همکاران	۱۳۹۰	نتایج پژوهش نشان می‌دهد با افزایش دوره تصدی حسابرس، انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری افزایش می‌یابد. مدیریت از انعطاف‌پذیری بوجود آمده در جهت منفی استفاده می‌کند.
حساس‌یگانه و جعفری	۱۳۸۹	به بررسی تاثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد که چرخش موسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود.
کرمی و بذرافشان	۱۳۸۸	به بررسی رابطه گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه و دوره تصدی حسابرس پرداختند. نتایج حاکی از وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین دوره تصدی

		حسابرس و محافظه‌کاری می‌باشد.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری و هدف مطالعه، سوالات پژوهش به‌صورت زیر مطرح می‌شوند:

۱. آیا بین محافظه‌کاری و دوره تصدی حسابرس رابطه‌ای وجود دارد؟

۲. آیا بین عدم‌تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری با دوره تصدی حسابرس (کوتاه‌مدت و بلندمدت) رابطه‌ای وجود دارد؟

سپس با توجه به سوالات مطرح شده، در این پژوهش سه فرضیه در نظر گرفته شده است که در زیر عنوان شده اند:

فرضیه اول: بین محافظه‌کاری و دوره تصدی حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری با دوره تصدی کوتاه‌مدت حسابرس معنادار می‌باشد.

فرضیه سوم: رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری با دوره تصدی بلندمدت حسابرس معنادار می‌باشد.

روش تحقیق

در این پژوهش برای سنجش محافظه‌کاری از معیار باسو استفاده شده است. مدل باسو از جنبه‌های مختلفی توسط محققانی از جمله بیکس و همکاران[۲۷](۲۰۰۴)، بال و شیواکومار (۲۰۰۵)، لافوند و واتس[۲۸](۲۰۰۸)، لافوند و رویچودری[۲۹](۲۰۰۸)، امیربیگی(۱۳۸۶)، کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸)، رحمانی و همکاران (۱۳۹۰) و مجتهدزاده و فرشی (۱۳۹۱) مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار آن به اثبات رسیده است. باسو در سال ۱۹۹۷ معیاری برای محافظه‌کاری ارائه و مدل زیر را به این منظور معرفی کرد:

$$NI=\alpha+\beta_1 DR+\beta_2 RET+\beta_3 RET*DR+\varepsilon$$

در مدل بالا متغیرها به شرح زیر است:

NI: سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در اول دوره مالی

RET: بازده سالانه سهام شرکت

DR: یک متغیر مجازی است، اگر RET (بازده شرکت) منفی باشد برابر یک در غیر این صورت، صفر در نظر گرفته می‌شود.

لازم به ذکر است در مدل باسو بازده مثبت، نماینده‌ی اخبار خوب و بازده منفی، نماینده‌ی اخبار بد است.

برای سنجش اندازه عدم‌تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران از مدلی که ونکاتش و چیانگ[۳۰] (۱۹۸۶)، برای تعیین دامنه پیشنهادی خرید و فروش سهام طراحی کردند استفاده می‌شود. مدل به شرح زیر است:

$$SPREAD_{it} = \frac{AP-BP}{(AP+BP)/2} * 100$$

SPREAD: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، t: سال مورد بررسی، i: شرکت مورد بررسی

AP: میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در دوره t

BP: میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره t

در این مدل هر چه دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام عدد بزرگتری باشد، نشان دهنده عدم‌تقارن اطلاعاتی بیشتر بین سرمایه‌گذاران است.

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع تحقیق همبستگی از انواع تحقیقات توصیفی مبتنی برتحلیل رگرسیون می باشد واز پنج متغیر مستقل و یک متغیر وابسته استفاده

شده است. لازم به ذکر است که رابطه بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری در دو حالت بررسی شده است؛

حالت اول که همان مدل شماره یک می‌باشد به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و دوره تصدی حسابرس در حالت کلی می‌پردازد.

حالت دوم که مدل شماره دو می‌باشد، در شرایط عدم‌تقارن اطلاعاتی به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و دوره تصدی کوتاه‌مدت و بلندمدت حسابرس می‌پردازد.

متغیرهای مستقل عبارتند از:

بازده سهام(RET)، همانند پژوهش فروغی و عباسی (۱۳۹۰)، حجازی و معصومی-بیلندی (۱۳۹۰)

دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهم(SPREAD)، همانند پژوهش رضازاده و آزاد (۱۳۸۷)، ملکیان‌کله‌بستی و همکاران (۱۳۹۰) و قربانی و عدیلی (۱۳۹۱)

متغیر مصنوعی DR (اگر بازه سهم مثبت باشد ۰ در غیر این صورت مقدار ۱ می پذیرد)، همانند پژوهش فروغی و عباسی (۱۳۹۰)، حجازی و معصومی‌بیلندی (۱۳۹۰)

دوره تصدی حسابرس (TENURE)، همانند پژوهش کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) و ستایش و همکاران (۱۳۹۱)

دوره تصدی کوتاه‌مدت حسابرس (SHORT) و دوره تصدی بلندمدت حسابرس(LONG)؛ مطابق پژوهش جنکیز و ولوری (۲۰۰۸)، الموتاری و همکاران[۳۱] (۲۰۰۹)، کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) و بدری‌خیره‌مسجدی (۱۳۹۰)

TENURE: تعداد سال‌هایی که حسابرس در استخدام یک شرکت است.

SHORT: اگر TENURE<=۳ عدد یک را می‌پذیرد، در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد.

LONG: اگر TENURE>=۹ عدد یک را می‌پذیرد، در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد.

متغیر وابسته نسبت سود خالص به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام اول دوره (NI) می-باشد.

مدل‌های آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های ذیل استفاده می‌شود:

مدل اول توسط لی (۲۰۰۷)، لی (۲۰۱۰)، یو و لنارد (۲۰۱۳) و کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) و مدل دوم توسط چی و وانگ (۲۰۱۰) مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۱) $NI=\alpha+\beta_{1}DR+\beta_{2}RET+\beta_{3}RET*DR+\beta_{4}TENURE+\beta_{5}TENURE*DR+\beta_{6}TENURE*RET+\beta_{7}TENURE*DR*RET+\varepsilon$

۲) $NI_{t}=\alpha+\beta_{1}DR+\beta_{2}RET+\beta_{3}RET*DR+\beta_{4}SPREAD+\beta_{5}SPREAD*DR+\beta_{6}SPREAD*RET+\beta_{7}SPREAD*RET*DR+\beta_{8}SHORT*SPREAD+\beta_{9}SHORT*SPREAD*DR+\beta_{10}SHORT*SPREAD*RET+\beta_{11}SHORT*SPREAD*RET*DR+\beta_{12}LONG*SPREAD+\beta_{13}LONG*SPREAD*DR+\beta_{14}LONG*SPREAD*RET+\beta_{15}LONG*SPREAD*DR*RET+\varepsilon$

برای فرضیه اول از مدل اول استفاده می‌شود و برای فرضیه دوم و سوم از مدل دوم استفاده می‌شود.

در مدل دوم، منفی بودن (مثبت بودن) علامت β_{10} نشان می‌دهد که رابطه بین عدم‌تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری با دوره تصدی کوتاه‌مدت حسابرس، زمانی که شرکت با اخبار خوب مواجه می‌شود، افزایش (کاهش) می‌یابد. در مقابل، منفی (مثبت) بودن علامت β_{11} نشان می‌دهد که رابطه بین عدم‌تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری با دوره تصدی کوتاه‌مدت حسابرس زمانی که شرکت با اخبار بد روبه رو می‌شود، کاهش (افزایش) می‌یابد. همچنین،

منفی (مثبت) بودن علامت β_{15} بیان می‌کند که رابطه بین عدم‌تقارن اطلاعاتی و محافظه-کاری با افزایش دوره تصدی حسابرس زمانی که شرکت با اخبار بد روبه رو می‌شود، کاهش (افزایش) می‌یابد.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و طی بازده زمانی سال‌های بین ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۰ می باشد. البته شرکت‌ها باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱. سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹/ اسفند باشد.
۲. طی دوره زمانی مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.
۳. شرکت‌های منتخب جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی، بانک‌ها، لیزینگ‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نباشند.
۴. اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشند.

با در نظر گرفتن این شرایط تنها ۶۹ شرکت باقی ماند که نمونه مورد مطالعه ما را تشکیل می‌دهد.

اطلاعات مورد نیاز از صورت‌های مالی شرکت‌ها و همچنین اطلاعات عرضه شده توسط موسسه تدبیر پرداز گردآوری شده است و با کمک نرم افزار آماری EViews ۷,۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی مانند میانگین، میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی انجام شده است. آمار توصیفی این پژوهش در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود میانگین (میانه) دوره تصدی حسابرس برابر با ۵,۵ (۵) سال است. همچنین، میانگین (میانه) بازده سالانه برابر با ۲۱,۸۶ (۵,۴۴) درصد است.

جدول شماره۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی	نسبت سود قبل از اقلام غیرمترقبه بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	بازده سالانه	دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام	دوره تصدی حسابرس	دوره تصدی بلندمدت	دوره تصدی کوتاه مدت
میانگین	۰,۲۵۱۸۹	۲۱,۸۶۰۶	۰,۰۱۹۲۲۶	۵,۵۲۲۶۸۶	۰,۲۴۶۸۲۴	۰,۴۱۳۷۹
میانه	۰,۱۸۵۶۳	۵,۴۴	۰,۰۱۷۰۸۳	۵	۰	۰
بیشینه	۵,۲۷۶۴۳	۷۰۹,۶۵	۰,۲۰۳۹۱۴	۱۴	۱	۱
کمینه	-۲,۹۳۰۴	-۷۲,۹۹	۰	۱	۰	۰
انحراف معیار	۰,۵۹۰۸۶	۶۵,۴۵۴۲	۰,۰۱۵۴۲۷	۳,۷۱۴۲۱۵	۰,۴۳۱۵۵۵	۰,۴۹۲۹۶
چولگی	۲,۸۶۰۳۹	۴,۱۱۰۲۷	۵,۳۲۹۰۷۹	۰,۴۲۷۰۵۷	۱,۱۷۴۳۸۶	۰,۳۵۰۰۷
کشیدگی	۲۹,۱۲۱	۲۳,۲۴۱۷	۵۵,۴۳۳۷۸	۱,۹۹۹۵۷	۲,۳۷۹۱۸۱	۱,۱۲۲۵۵

بر اساس آزمون ریشه واحد از نوع آزمون لوین و همکاران[۳۲] (۲۰۰۲)، چنان‌چه معناداری آماره آزمون، کمتر از ۰,۰۵ باشد، متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، در طی دوره پژوهش پایا هستند. نتایج حاصل از بررسی پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از این آزمون در جدول شماره ۲ ارائه شده است:

جدول شماره ۲. آزمون لوین چو (آزمون پایایی متغیرها)

متغیر	آماره	سطح معناداری
نسبت سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	-۱۴۹,۵۱۳	۰,۰۰۰
بازده سالانه	-۱۴,۴۳۰۹	۰,۰۰۰
دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام	-۳۶,۱۱۷۱	۰,۰۰۰
دوره تصدی حسابرس	-۱۳,۲۷۶	۰,۰۰۰
دوره تصدی بلندمدت	-۳,۴۱۷۰۷	۰,۰۰۰

دوره تصدی کوتاه مدت	-۲,۲۷۱۳۲	۰,۰۰۰

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در کلیه متغیرهای مستقل و وابسته، سطح معناداری در آزمون ریشه واحد لوین و همکاران (۲۰۰۲) کوچکتر از ۰,۰۵ است که نشان می‌دهد متغیرهای پژوهش در سطح، پایا هستند. این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت است. در نتیجه، شرکت‌های مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

یافته‌های فرضیه اول

نتایج آماری حاصل از آزمون فرضیه اول با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات ثابت در جدول شماره ۳ ارائه شده است. مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره برای کل مدل ارائه شده، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده معیاری برای سنجش قدرت تبیین مدل رگرسیون است که در مدل اول برابر با ۲۲ درصد و مطابق با مبانی نظری موجود مناسب است. آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خود همبستگی بین متغیرها دارد و در مدل اول برابر با ۱,۶۷ است که مناسب می‌باشد.

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود علامت ضریب TENURE*RET مثبت و ضریب متغیر در سطح خطای ۵ درصد معنادار نمی‌باشد، این نتیجه منطبق با نتیجه پژوهش لی (۲۰۰۷) می‌باشد.

همچنین علامت ضریب TENURE*DR*RET منفی و غیرمعنادار می‌باشد که این نتیجه از لحاظ علامت مشابه پژوهش کرمی و بذرافشان (۱۳۸۹) و لی (۲۰۰۷) می‌باشد ولی غیرمعنادار است. همچنین نتیجه منطبق با پژوهش خدایاریگانه و همکاران (۲۰۱۲) می‌باشد.

در نتیجه فرضیه اول رد می‌شود و نمی‌توان نتیجه گرفت که با افزایش دوره تصدی حسابرس، محافظه‌کاری کاهش می‌یابد.

جدول شماره۳. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	علامت مورد انتظار	ضریب	آماره t	سطح اطمینان
TENURE*RET	مثبت	۰,۰۰۰۰۶۵۲	۱,۰۸۸۹۸	۰,۲۷۶۷
TENURE*DR*RET	منفی	−۰,۰۰۰۰۷۲۹	−۰,۳۴۱۷۲۵	۰,۷۳۲۷
ضریب تعیین	۰,۲۴			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۲۲		آماره F	۱۱,۹۴۱۸۸
آماره دوربین واتسون	۱,۶۷		سطح معناداری آماره F	۰,۰۰۰

یافته‌های فرضیه دوم

نتایج آماری حاصل از آزمون فرضیه‌های دوم و سوم با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش اثرات ثابت در جدول شماره ۴ ارائه شده است. مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که مدل رگرسیون در کل معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده معیاری برای سنجش قدرت تبیین مدل رگرسیون است که در مدل دوم برابر با ۲۴ درصد و مطابق با مبانی نظری موجود مناسب است. آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خود همبستگی بین متغیرها دارد و در مدل دوم برابر با ۱,۷ است که مناسب می‌باشد.

نتایج این فرضیه‌ها در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود؛ علامت ضریب SHORT*SPREAD*RET*DR منفی و ضریب متغیر در سطح خطای ۵ درصد معنادار نمی‌باشد، نتیجه حاکی از این است که تاثیر عدم‌تقارن اطلاعاتی بر محافظه‌کاری حسابداری تاثیری بر دوره تصدی کوتاه‌مدت حسابرس زمانی که شرکت با اخبار بد رو به رو می‌شود ندارد. این نتیجه منطبق با پژوهش چی و وانگ (۲۰۱۰) می‌باشد.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون فرضیه دوم و سوم

متغیر	علامت مورد انتظار	ضریب	آماره t	سطح اطمینان
LONG*SPREAD*DR*RET	منفی	-۰,۰۹۱۹۳۵	-۱,۴۱۰۸۳۵	۰,۱۵۸۹
SHORT*SPREAD*DR*RET	منفی	-۰,۰۷۴۳۱۷	-۱,۰۶۰۸۴۲	۰,۲۸۹۳
ضریب تعیین	۰,۲۷			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۲۴		آماره F	۸,۱۹۸۲۴۵
آماره دوربین واتسون	۱,۷		سطح معناداری آماره F	۰,۰۰۰

یافته‌های فرضیه سوم

همچنین با توجه به جدول شماره ۳ علامت ضریب LONG*SPREAD*RET*DR نیز منفی و غیرمعنادار است که از لحاظ معناداری مغایر با پژوهش چی و وانگ (۲۰۱۰) می‌باشد. نتیجه حاکی از این است که تاثیر عدم‌تقارن اطلاعاتی بر محافظه‌کاری حسابداری تاثیری بر دوره تصدی بلندمدت حسابرس زمانی که شرکت با اخبار بد رو به رو می‌شود ندارد.

نتیجه‌گیری

طرفداران چرخش اجباری حسابرس بیان می‌کنند که روابط طولانی مدت حسابرس-صاحبکار، استقلال حسابرس را تهدید می‌کند.در مقابل، مخالفان چرخش اجباری حسابرس ادعا می‌کنند که هیچ دلیلی مبنی بر از بین رفتن استقلال حسابرس وجود ندارد؛ حتی شواهدی ارائه می‌نمایند که حاکی از یک رابطه مثبت بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت حسابرسی وجود دارد.

توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات جمع آوری شده، نشان دهنده این است که دوره تصدی حسابرس بر محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.

یافته‌های حاصل از فرضیه اول، حاکی از این است که رابطه معناداری بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری وجود ندارد. همانند پژوهش خدایاریگانه و همکاران (۲۰۱۲)، یک دلیل برای مغایر بودن نتیجه این پژوهش با پژوهش لی (۲۰۰۷) را می‌توان به وسیله

محیط، توجیه نمود. که محیط شرکت‌های ایرانی محیطی با دعـوایی کـم مـی‌باشـد. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در معرض دعاوی قضـایی بـودن حسابرسـان، مـی‌توانـد اثرات مضر دوره تصدی حسابرس بر محافظه‌کاری را کاهش دهد.

یافته‌های حاصل از فرضیه دوم، حاکی از این است که رابطه معناداری بین تاثیر عـدم‌تقـارن اطلاعاتی بر محافظه‌کاری حسابداری بر دوره تصدی کوتاه‌مـدت حسـابرس وجـود نـدارد. این نتیجه منطبق با پژوهش چی و وانگ (۲۰۱۰) می‌باشد.

همچنین یافته‌های حاصل از فرضیه سوم، حاکی از این است که رابطـه معنـاداری بـین تـاثیر عدم‌تقارن اطلاعاتی بر محافظه‌کاری حسابداری بر دوره تصدی بلندمدت حسـابرس وجـود ندارد. طبق پژوهش لی (۲۰۰۷)، کاهش محافظه‌کـاری مربـوط بـه دوره تصـدی بلندمـدت حسابرس در محیط‌های با دعاوی حقوقی بیشتر، کاهش پیدا می‌کند.

یک دلیل برای عدم وجود رابطه بـین دوره تصـدی کوتـاه‌مـدت و بلندمـدت حسـابرس بـا محافظه‌کاری را می‌توان به نوع شرکت‌ها، احتمالا ناشی از تمرکـز مالکیـت دولتـی یـا شـبه دولتی در شرکت‌های مورد بررسی (دولتی بودن طبـق پـژوهش کمـارودین و همکـاران[۳۳]، ۲۰۱۰) نسبت داد.

همچنین دلیل دیگر برای نبود رابطه را می‌توان دخالت دستگاه‌های دولتی بر روند مبـادلات بازار سرمایه دانست. این دخالت‌ها موجب می‌شود تا دامنه پیشنهادی خرید و فـروش معیـار مناسبی برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی نباشد.

دلیل دیگر برای عدم وجود رابطه را می‌توان به شرایط بازار بـورس تهـران نسـبت داد. طبـق پژوهش‌های بعمل آمده همانند فرید و همکاران (۱۳۸۸) و تالانـه و هجـرانکش‌راد (۱۳۹۰) بازار بورس تهران یک بازار ناکاراست. در نتیجه قیمـت اوراق بـه درسـتی و عادلانـه تعیـین نمی‌شود و نمـی‌تـوان انتظـار داشـت در هـر لحظـه، انعکـاس کـاملی از همـه اطلاعـات در دسترس باشد.

پیشنهادها

الف. پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش:

فرضیه دوم و سوم، بر این موضوع دلالت دارند که محافظه‌کاری تحت تاثیر دوره تصدی بلندمدت و کوتاه‌مدت حسابرس قرار دارد. در این فرضیه‌ها رابطه بین دوره تصدی بلندمدت و کوتاه‌مدت حسابرس و محافظه‌کاری بررسی شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل مربوط به فرضیه دوم و سوم بیانگر این است که بین متغیرهای مزبور، رابطه معناداری وجود ندارد. بر اساس نتایج حاصله موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

- تعیین راهکارهایی جهت پیشگیری از شکل‌گیری رانت اطلاعاتی
- تعیین الزامات قانونی برای شرکت‌ها مبنی بر افشای به موقع و صحیح اطلاعات به منظور فرآیند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی
- توجه قانون‌گذاران به اثرات احتمالی نوع شرکت‌ها (دولتی یا غیردولتی بودن) بر محافظه‌کاری حسابداری و در نتیجه‌ی آن بر کیفیت گزارشگری در هنگام تدوین استانداردها

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی:

- بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس با محافظه‌کاری با سایر معیارهای سنجش محافظه‌کاری
- انجام مجدد این پژوهش با سایر معیارهای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی
- انجام مجدد این پژوهش با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی از جمله؛ اندازه شرکت و اهرم مالی

محدودیت‌ها

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش کسب اطلاعات درباره متغیر دوره تصدی حسابرسان شرکت‌ها بود که منجر به حذف تعداد زیادی از شرکت‌ها شد.

یادداشت ها:

۱. Veronica & Bachtiar
۲. Clarkson et al.
۳. Dye
٤. Jensen & Meckling
٥. Watts & Zimmerman
٦. Bliss
۷. Watts
۸. FASB
۹. Kieso et al.
۱۰. Basu
۱۱. Ball & Shivakumar
۱۲. Giner and Rees
۱۳. DeAngelo
۱٤. Wallace
۱٥. fineness
۱٦. Titman & Trueman
۱۷. Basu et al.
۱۸. Jenkins & Velury
۱۹. Li
۲۰. Boone et al.
۲۱. Davis et al.
۲۲. Hamilton
۲۳. Adeyemi et al.
۲٤. Yu & Lenard
۲٥. Chi & Wang
۲٦. Hakim & Omri
۲۷. Beekes et al.
۲۸. Laffond & Watts
۲۹. Laffond & Roychowdhury
۳۰. Venkatesh & Chiang
۳۱. Almutairi& et al.
۳۲. Levin et al.
۳۳. Kamarudin et al.

منابع

۱. اسماعیل‌زاده‌مقری، علی و نصرت‌اله ترامشلو. (۱۳۹۱). تاثیر رقابت بر سر حق-الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی. *حسابدار رسمی*، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۱، ص ص ۷۹-۷۰.

۲. اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی: استانداردهای حسابداری (استانداردهای شماره ۱ تا ۳۱) کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۸۸). *سازمان حسابرسی (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری)*.

۳. امیر بیگی، حبیب .(۱۳۸۶). بررسی عدم تقارن زمانی سود به عنوان معیار محافظه کاری در گزارشگری مالی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

۴. بدری‌خیره‌مسجدی، احد. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین چرخش شریک حسابرسی و موسسات حسابرسی با کیفیت حسابرسی و تعدیلات سنواتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدباهنر.
۵. تالانه، عبدالرضا و حدیث هجرانکش‌راد. (۱۳۹۰). بررسی کارایی بورس اوراق بهادار تهران در سطح ضعیف و نیمه‌قوی. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۰، ص ص ۸۶-۶۴.
۶. حجازی، رضوان و زهرا معصومی بیلندی. (۱۳۹۰). اثر رشد و رفتار گزارشگری مدیریتی بر محافظه‌کاری. *دانش حسابداری*، سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۰، ص ص ۱۲۸-۱۱۱.
۷. حساس‌یگانه، یحیی و ولی‌اله جعفری. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۸۹، ص ص ۴۲-۲۵.
۸. رحمانی، علی، فرزانی، حجت‌اله و هیوا رستگارمقدم. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مالکیت اصلی و محافظه‌کاری در سود. *دانش حسابداری*، سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۰، ص ص ۶۳-۴۳.
۹. رحیمیان، نظام‌الدین، رضاپور، نرگس و حسین اخضری. (۱۳۹۰). نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، سال یازدهم، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۹۰، ص ص ۸۱-۶۸.
۱۰. رضازاده، جواد و عبداله آزاد. (۱۳۸۷). رابطه بین عدم‌تقارن اطلاعاتی و محافظه-کاری در گزارشگری مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، سال پانزدهم، شماره ۵۴، ص ص ۸۰-۶۳.
۱۱. ستایش، محمدحسین، ابراهیمی، فهیمه و مهدی ساریخانی. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر طول دوره تصدی و اندازه حسابرس بر ادراک سرمایه‌گذاران از کیفیت

حسابرسی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران). *دانش حسابرسی*، سال دوازدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۱، ص ص ۱۸-۴.

۱۲. عزیزخانی، مسعود و علیرضا صفروندی. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر خطای سود پیش‌بینی شده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱، ص ص ۷۸-۶۱.

۱۳. فروغی، داریوش و جواد عباسی. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر اعمال محافظه-کاری حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی*، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۰، ص ص ۱۳۲-۱۱۳.

۱۴. فرید، داریوش، بردبار، غلامرضا و حسین منصوری. (۱۳۸۸). شناسایی و ارزیابی موانع شکل ضعیف کارآیی بورس اوراق بهادار تهران. *جستارهای اقتصادی*، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ص ۱۹۴-۱۵۷.

۱۵. قربانی، سعید و مجتبی عدیلی. (۱۳۹۱). نگهداشت وجه نقد، ارزش شرکت و عدم‌تقارن اطلاعاتی. *دانش حسابداری*، سال سوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۱، ص ص ۱۴۹-۱۳۱.

۱۶. کردستانی، غلامرضا و محمد ایرانشاهی. (۱۳۹۱). تاثیر محافظه‌کاری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام. *دانش حسابرسی*، سال دوازدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۱ف ص ص ۳۳-۱۸.

۱۷. کرمی، غلامرضا و آمنه بذرافشان. (۱۳۸۸). بررسی رابطه دوه تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۸، ص ص ۸۰-۵۵.

۱۸. کرمی، غلامرضا، بذرافشان، آمنه و امیر محمدی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود. *دانش حسابداری*، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰، ص ص ۸۲-۶۵.

۱۹. مجتهدزاده، ویدا و زهرا فرشی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه محافظه‌کاری حسابداری و تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۹، شماره ۶۷، بهار ۱۳۹۱، ص ص ۱۰۴-۹۱.

۲۰. ملکیان‌کله‌بستی، اسفندیار، معین‌الدین، محمود و انسیه کلانتری. (۱۳۹۰). رابطه کیفیت حسابرسی مستقل و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید ئ فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۹۰، ص ص ۸۰-۶۹.

۲۱. Adeyemi, S.B, Okpala, Okwy and Dabor E.L., (2012), ” Factors Affecting Audit Quality in Nigeria*”, International Journal of Business and Social Science*, Vol. 3 No. 20.

۲۲. Almutairi, Ali R., A. Dunn, Kimberly and Terrance Skantz, (2009), “Auditor tenure, auditorspecialization, and informationasymmetry”, Managerial Auditing Journal, Vol.24, No.7, pp. 600-623.

۲۳. Ball, R., and L. Shivakumar, (2005), "Earnings Quality in U. K. Private Firms", *Journal of Accounting and Economics* 39: 83-128.

۲٤. Ball, R. and L. Shivakumar, (2006), “The Role of Accruals in Asymmetrically Timely Gain and Loss Recognition”, *Journal of Accounting Research* 44 (2): 207-242.

۲٥. Basu. S; (1997),” the conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings”, *Journal of Accounting and Economics*. PP 24,337.

۲٦. Basu, S., L. Hwang, and C. Jan, (2001b), “Differences in conservatism between big eight and non-big eight auditors”, Working paper, Emory University, Chinese University of Hong Kong, and California State University – Hayward.

۲۷. Beekes, W, P. Pope and S. Young, (2004), "The Link between Earnings Timeliness, Earnings Conservatism and Board Composition: Evidence from the U. K.", Corporate Governance: *An International Review*, v.12 (1): 47-59.

٢٨. Bliss J. H., (1924), “Management Through Accounts”, The Ronald Press Co., New York.
٢٩. Boone, J., Khurana, I., & Raman, K. K. (2008). “Audit firm tenure and the equity risk premium”, *Journal of Accounting, Auditing, and Finance*, 23, 115−140.
٣٠. Chi, Wuchun, and Wang Chenchin, (2010), “Accounting conservatism in a setting of Information Asymmetry between majority and minority shareholders”, *The International Journal of Accounting* 45, pp.465-486.
٣١. Clarkson, Gavinn & et al., (2007), ” Information Asymmetry and Information Asymmetry and information sharing”, *Government Information Quarterly*, NO 24, PP 827–839, 2007.
٣٢. Davis, R. L., Soo, B. S., & Trompeter, G. M. (2009). Auditor tenure and the ability to meet or beat earnings forecasts. *Contemporary Accounting Research, 26*(2), 517-548. http://dx.doi.org/10.1506/car.26.2.8
٣٣. DeAngelo, L.E, (1981a), “Auditor independence, “lowballing,” and disclosure regulation”, *Journal of Accounting and Economics* 3 (2): 113-127.
٣٤. DeAngelo, L.E, (1981b), “Auditor size and audit quality” *Journal of Accounting and Economics* 3 (1): 113-127.
٣٥. Dye, R. (1993). Auditing standards, legal liability, and auditor wealth. The Journal of Political Economy, 101(5), 877−914.
٣٦. Financial Accounting Standard Board (FASB), (1980), Statement of Concepts No.2: Qualitative characteristics of accounting information. Norwalk, CT: FASB.
٣٧. Giner, B. and W. Rees, (2001), “On the asymmetric recognition of good and bad news in France”, Germany and the United Kingdom. *Journal of Business Finance & Accounting* 28 (9-10): 1333-1349.
٣٨. Hakim, F. and Omri, M.A., (2010), ”Quality of the external, information asymmetry, and Bid-ask Spread”, *The Journal of Accounting and Information Management*, 18, pp. 5 – 18.
٣٩. Hamilton, J., C. Ruddock, D. Stokes, and S. Taylor, (2005), “Audit partner rotation, earnings quality and earnings conservatism”, Working paper, University of Technology, Sydney, and University of New South Wales.

https://aaahq.org/audit/midyear/06midyear/papers/HamiltonAAAmidyear.pdf . [9/11/2013].

٤٠. Jenkins, D. and U. Velury. 2006. Does auditor tenure impact the reporting of conservative earnings? Working paper, University of Delaware.

٤١. Jenkins, D. S., & Velury, U. (2008). Does auditor tenure influence the reporting of conservative accounting*? Journal of Accounting and Public Policy*, 27(2), 115−132.

٤٢. Jensen, M.C. and W.H., Meckling, (1976), " Theory of the firm, managerial behavior, agency costs and ownership structure", *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, No. 4, pp. 305-360.

٤٣. Kamarudin, K.A., Dunstan, K. & van Zijl, T. (2010). Auditor tenure, non-audit services and earnings conservatism: Evidence from Malaysia. Paper presented at the 2010 AFAANZ conference, Christchurch, New Zealand. http://works.bepress.com/keitha_dunstan/4/ [9/11/2013]

٤٤. Khodayar-e-Yeganeh, Saeid,Jabbarzadeh Kangarlouei, Saeid, and Morteza Motavassel, (2012), " Audit Firm Size on Accounting Conservatism in Financial Reporting of Firms Listed in Tehran Stock Exchange", *International Journal of Finance and Accounting,* 2012, 1(3), pp. 38-44.

٤٥. Kieso, D.E., J.J. Weygandt and T.D. Warfield, (2001), *Intermediate Accounting*, 10th ed. John Wiley & Sons, Inc., New York.

٤٦. Laffond, R. and R. Watts, (2008), "The Information Role of Conservatism", *The Accounting Review*, No. 83(2), P 447-455.

٤٧. Laffond R., and S. Roychowdhury, (2008), "Managerial Ownership and Accounting Conservatism", *Journal of Accounting Research (forthcoming)*. Availble at URL: http://www.ssrn.com.

٤٨. Li, Dan, (2010), "Does auditor tenure affect accounting conservatism? Further evidence", *Journal of Accounting and Public Policy* 29 (2010), pp. 226–241.

٤٩. Li, Dan, (2007), " Auditor Tenure and Accounting Conservatisme", school of management,

https://smartech.gatech.edu/bitstream/handle/1853/16155/Li_dan_200708_PHD.pdf;jsessionid=B86D01E3537DBBA6DC947224AD0BF92E.smart2?sequence=1.[9/3/2013].

٥٠. Titman, S. and B. Trueman., (1986), “Information quality and the valuation of new issues”, *Journal of Accounting and Economics* 8 (2): 159-172.

٥١. Venkatesh, P. C., and R. Chiang, (1986), "Information Asymmetry and the Dealer's Bid-Ask Spread: A Case Study of Earnings and Dividend Announcements", *The Journal of Finance* 41, 5: 1089-1102.

٥٢. Veronica, Sylvia and Yanivi, s., Bachtiar, (2005), “Corporate Governance, Information Asymmetry, and Earning Management”, *Jurnal Akuntansi dan Keuangan Indonesia*, Vol.2, No.1, pp. 77-106.

٥٣. Wallace, W.A, (1980), “*The economic role of the audit in free and regulated markets”,* Touche Ross & Co. Aid to Education Program.

٥٤. Watts, RL., (2003),”Conservatism in Accounting Part i: Explanation and Iimplications”, *Accounting Horisons*, Vol. 17, 207221.

٥٥. Watts, R. L., and Zimmerman, J. L. (1986). Positive Accounting Theory. New Jersey: Prentice-Hall. Welker, M. (1995). Disclosure policy, information asymmetry, and liquidity in equity markets. *Contemporary Accounting Research*, 11(2), 801–827.

٥٦. Yu, Bing and Mary Jane Lenard, (2013), “ The Effect of Client Importance and Aditor Tenure on Accounting Conservatism: Evidence from Chinese Companies”, *International Business Reasearch,* Vol. 6, No. 1, 2013.

The relation of accounting conservatism and auditor tenure (Evidence from Tehran Stock Exchange)

Dr shokrollah khajavi - associate professor shiraz university - pardis eram .accounting department - shkhajavi@gmail
someyeh hosseninia - M.A student shiraz university - - pardis eram .accounting department

Abstract

Auditor's tenure is one of the audit quality parameters. The long term relation of auditor and client could reduce auditor's independence and audit quality. Probable reduction of auditor's independence is caused by long term relation could alter accounting conservatism level. Hence, auditor's tenure is focused by many researchers. The main goal of this research is to study the relation of accounting conservatism and auditor's tenure. In order to conservatism measurement Basu criterion is utilized. The studied sample concludes of ٦٩ companies during ١٣٨٣ to ١٣٩٠; and the statistical method is combined regression. The results suggest that there is no any significant relation between auditor's tenure and conservatism. Moreover, in information asymmetry, there is no significant relation between auditor's long term and short term tenure.

Key words: Conservatism, Auditor's tenure, audit quality, Auditor-client relation.